



بازگشت به گذشته در ذهن جمعی ایرانیان

10 مرداد 1405

در این یادداشت، آروین پویان پدیده‌ی «بازگشت به گذشته» را به‌عنوان نشانه‌ای از بحرانی عمیق در تخیل سیاسی جامعه ایران تحلیل می‌کند. او استدلال می‌کند که گرایش گسترده به دوره‌های موسوم به «طلایی» – از ایران باستان تا بازسازی نوستالژیک از پهلوی یا صدر اسلام – صرفاً ترجیحی ایدئولوژیک نیست، بلکه ریشه در تجربه‌های انباشته‌ی شکست، بی‌ثباتی و انسداد افق آینده دارد. به تعبیر متن، این وضعیت زمانی تشدید می‌شود که جامعه در فقدان نهادهای پایدار و چشم‌اندازهای قابل اتکا، گذشته را به‌مثابه پناهگاه روانی بازسازی می‌کند.

پویان با بهره‌گیری از رهیافت‌های روان‌شناسی اجتماعی و مفهوم ترومای جمعی، نشان می‌دهد که چگونه بحران‌های مزمن اقتصادی و سیاسی، به تعلیق عاملیت جمعی می‌انجامد. در چنین شرایطی، بازگشت به گذشته نه فقط نوعی تسکین نمادین، بلکه مکانیسمی برای گریز از مسئولیت ساختن آینده می‌شود. چنان‌که در متن آمده است:

«جامعه‌ای که نجات را در «دیروز» می‌بیند، از طراحی «فردا» ناتوان می‌ماند.»

این نقل قول، هسته‌ی انتقادی مقاله را عیان می‌کند: نوستالژی، اگر به نقد تاریخی بدل نشود، به چرخه‌ی تکرار می‌انجامد.

در جمع‌بندی، نویسنده راه برون‌رفت را نه در انکار گذشته، بلکه در مواجهه‌ی انتقادی با آن می‌داند. او تأکید می‌کند که مسئله اصلی ارزیابی خوب یا بد بودن گذشته نیست، بلکه فهم نیاز روانی و سیاسی به آن است. گذار از «سیادت فرد» به «سامانه‌ی خرد»، تقویت نهادهای پاسخ‌گو و رسانه‌های کثرت‌گرا، و عبور از شخص‌محوری، پیش‌شرط تبدیل «رعیّت منفعل» به «شهروند کنشگر» معرفی می‌شود. در این چارچوب، بازسازی آینده تنها از مسیر نهادسازی و بازیابی عاملیت جمعی ممکن است.